

مروری بر کتاب تاریخ فقه و فقهاء

عبدالله کیانی فرید

تألیف حسن طارمی، چاپ اول انتشارات دانشگاه پیام نور، مهر ۱۳۷۴

عالمان و نویسندگان از زمان‌های دور تا به امروز در جهت شناساندن تاریخ فقه و فقهاء و انتقال این دانش به نسل‌ها و عصرها کوشیدند و با تألیف کتب ارزشمندی در این زمینه، آثار مکتوب اسلامی را غنا بخشیدند جزاهم اخیراً و خیرالجزاء. از آنجا که از شرایط لازم نویسندگی مخصوصاً در حوزه کتب درسی و دانشگاهی، استمرار و اُلفت مداوم در آن درس و دیگر شناختن مخاطبان و نوشتن به زبان آنان است، تألیفی شایسته این نام است که مؤلفش آن دو ویژگی را داشته باشد. به یقین کتاب تاریخ فقه و فقهاء از جمله تألیفات است که در خور تقدیر است. مؤلف کتاب که خود تحصیل کرده دانشگاه و حوزه است و با دارا بودن سالیان دراز سابقه تحقیق و تألیف بر این دو ویژگی متّصف و بر حیطة کار اشراف کامل داشته و توانسته است کتاب را به سبک

دانشگاهی و با نثری ساده و روان، با روش محققانه از دیدگاه عامه و خاصه بررسی و به عنوان کتاب درسی دانشگاهی تألیف کند.

کتاب در دو جلد است، جلد اول شامل یک مقدمه و چهار فصل است. مقدمه کتاب بسیار کوتاه و در یک صفحه در شرح ارزش فقه و مدخلی است بر محتوای فصول کتاب. جلد دوم کتاب به تاریخ فقه و فقهای شیعه امامیه از عصر امامان تا به امروز اختصاص دارد.

بخش اول از فصل اول کتاب در فقه و تقسیمات آن است. در این فصل مؤلف معانی لغوی فقه، کاربرد فقه در قرآن و حدیث، تحوّل معانی فقه، معنی اصطلاحی فقه، واژه‌های وابسته به فقه را بررسی کرده. در تعریف معنی لغوی فقه می‌نویسد، طبق نظر لغت شناسان، واژه فقه مترادف فهم و علم است.

کاربرد فقه در قرآن نیز به صورتهای: يتفقّهون، تفقّه، يفقهون، آمده. کاربرد فقه در حدیث نیز به حدی است که در مواردی بدون قید دین معنی فقه از جمله متبادر می‌شود. از اواخر سده نخست معنی اصطلاحی و عرفی فقه شکل گرفت و معنی لغوی آن مهجور گشت و در کتب لغت و تفسیر به این تخصیص معنایی تصریح شد. در تعریف اصطلاحی دانش فقه، مؤلف کتاب می‌نویسد: همزمان با شکل‌گیری دانش فقه تعریف دقیق آن نیز انجام شد و دقیقترین تعریف را شافعی کرده که با بکار بردن لفظ، ادله (منابع مختلف) در تعریف خود دایره بررسی در منابع را وسعت بخشید، زیرا همه مذاهب فقهی در این باره اتفاق نظر ندارند. مثلاً "در فقه مالکی آرای صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از منابع استنباط احکام است که شافعی آن را نمی‌پذیرد، در فقه حنفی قیاس کاربرد فراوان دارد که امامیه آن را شدیداً رد کرده. در فقه امامیه برخی فقهاء اجازه عمل به خبر واحد را نداده ولی برخی از «اخباریان»

هر گونه روایت از کتب معتبر را می پذیرفته اند.

درباره واژه های وابسته به فقه، مؤلف با تمسک به آیات قرآنی اثبات کرده که حکم دین به صورت مشترک لفظی با فقه در چند معنی از جمله: جزا، پاداش، راه و روش، حاکمیت و قانون بکار رفته و به استناد آیات و روایات دین معنی اصطلاحی پیدا کرده، و به مجموعه آنچه که خدا برای بندگان مقرر فرموده دین گفته می شود، بنابراین شاید بتوان گفت دین موضوع علم فقه است.

کلمه شرع نیز مترادف دین بکار می رود و فعل ماضی آن (شَرَع) در قرآن آمده که معنی اصلی آن سنت و روش است و بدین ترتیب شرع موضوع علم فقه است.

واژه شریعت نیز مترادف شرع و دین و در نتیجه موضوع علم فقه به معنی متداول و رایج آن شده.

اجتهاد نیز از واژه های مترادف دیگری در این باب است.

بخش دیگر از فصل اول کتاب درباره جایگاه فقه در میان علوم اسلامی است. مؤلف کتاب در این باره می نویسد غالباً برای تعیین مرتبه هر علم در میان علوم دیگر چند ضابطه در نظر گرفته می شود، مثلاً "در مقایسه علوم شرعی «اشرفیت» ضابطه ای است که بیشتر مورد توجه قرار گرفته، بدین معنی که علوم از نظر فضیلت چه نسبتی با هم دارند و در این مقایسه از آنجا که علم فقه حاوی قوانین اجتماعی و مصالح دین و دنیایی مردم است، از علم تاریخ شریفتر است. هر چند که ضابطه اشرفیت نسبی است و نه مطلق. آخرین بخش فصل اول کتاب در تقسیم بندی فقه است. مؤلف کتاب پس از بیان و بررسی نظرات مذاهب مختلف در تقسیم بندی فقه و تبیین نارسایی ها و کاستی های این تقسیم بندی ها، نظر وهب زحیلی صاحب کتاب

الفقه‌الاسلامی و ادلّه) را به عنوان کاملترین تقسیم‌بندی از نظر شمول دانسته.

فصل دوم کتاب در فلسفه و مبانی فقه است و ویژگی‌های فقه اسلامی، فقه در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

مؤلف در فلسفه فقه می‌نویسد: فقه ریشه در اعتقاد به دین دارد، تمام متدینین اتفاق نظر دارند که جوامع بشری برای درست زیستن نیازمند برنامه عادلانه‌اند، برنامه‌ای که همه ابعاد زندگی را در برگیرد. متکلمان اسلامی اثبات کرده‌اند که چنان برنامه فقط از سوی خدا برای بشر می‌آید. قرآن نیز وظیفه اساسی دین را در جوامع بشری رفع اختلاف مردم در مناسبات اجتماعی و ارائه قانون عادلانه می‌داند و پیامبران را نظم دهندگان زندگی اجتماعی انسانها معرفی می‌کند.

درباره ویژگی‌های فقه اسلامی، مؤلف کتاب ده ویژگی را برشمرده است: نخست اینکه مجموعه قانونی برخاسته از وحی است. دوم اینکه قانون دین فراگیر و برای همه جنبه‌های زندگی انسان برنامه دارد. سوم اینکه در فقه همه آداب و احکام در یک فرآیند دنیایی و آخرتی تعریف می‌شود. چهارم در این نظام قانونی عنصر اخلاق تفکیک‌ناپذیر است و در تار و پود دین تنیده شده. پنجم قوانین فقه سهل و آسان است و منشأ آن قرآن است، مثلاً "در حکم روزه. ششم در احکام فقهی مخصوصاً در احکام راجع به زندگی اجتماعی ضروری نیست، مثلاً مالکیت و آزادی افراد در تصرفات مالکانه تا آنجا مجاز است که به حقوق دیگران زیان نرسد. هفتم قوانین و احکام فقهی طبق قاعده میسور تحت هیچ شرایطی تعطیل بردار نیست و مکلف در حد توان باید عمل بکند. هشتم در شریعت اسلام احکام طوری وضع شده که اجرای آن باعث استیلائی غیر مسلمانان بر مسلمانان نیست. نهم عنصر عدالت در تمام

فقه اسلام جاری است. دهم فقه اسلام بر اصولی استوار شده که به تناسب زمان و مکان احکام و مقررات لازم وضع شود. در بخش سوم و چهارم فصل دوم کتاب مؤلف به تازیبخچه تشریح و جایگاه شریعت در مکه و مدینه آن روزگار پرداخته و می نویسد: با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سنگ بنای فقه گذاشته شد، زیرا قرآن و سنت دو محور اساسی فقه است، از این زو تاریخ نویسان فقه بیست و دو سال پیامبری رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را دوره تشریح نامند، چراکه در این فاصله زمانی هم قرآن نازل شد و هم سنت در سه صورت قول، فعل، تقریر به منصف ظهور رسید. در دوران مکه هنوز پیروان دین بسیار کم بودند و امکان اظهار علنی دین نیز برایشان مقدور نبود که باعث تفصیل شریعت شود، به عقیده مورخان در دوران مکه جز احکام طهارت و نماز حکم دیگری تشریح نشد. مدینه برخلاف مکه دوران گسترش تشریح بوده است. مؤلف سپس تعدادی از شرایع را با استفاده از آیات و به استناد تواریخ که در مدینه تشریح شد از جمله: نماز جمعه، تغییر قبله، تشریح اذان، روزه ماه رمضان، حج و عمره، حکم خمس، تحریم خمر، حکم جهاد، حکم قصاص ... بر شمرده.

آخرین بخش این فصل درباره روش قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ارائه احکام است. مؤلف کتاب به پنج نکته اشاره کرده: الف: بسیاری از احکام چه تأسیسی و چه امضایی در پاسخ مردم بیان شده. ب: احکام بتدریج و با رعایت مصالح عمومی و آمادگی مردم عرضه می شد. ج: در اغلب احکام فلسفه تشریح نیز بیان گردیده. د: در قرآن اعلان و جوب و حرمت و حلیت، همواره با تعبیرات رسمی انجام نگرفته بلکه گاهی به صورت توصیه بیان شده. ه: تدریج در ابلاغ احکام به صورت دیگری نیز در عهد تشریح بروز می کرده مثلاً "حکمی که جنبه تعمیمی داشته بعداً

تخصیص می خورده.

فصل سوم کتاب را تدوین منابع فقه و تکوین مبانی استنباط نامیده و پس از بررسی نظریات مختلف محققان درباره تقسیم بندی دوره های فقهی و بیان نقص ها و نارسایی های آنها می نویسد: « به نظر ما بررسی سیر تاریخی فقه شیعه باید مستقلاً بررسی شود ولی مراحل گسترش و تحول فقه اهل سنت تا پیدایش مذاهب را دوره تدوین می نامیم که این دوره شامل دوره صحابه و تابعان است و از آن جهت که جمع قرآن و تدوین آن در این سال ها صورت پذیرفت و در اواخر این دوره نیز روایت و کتابت حدیث رواج یافت...».

سپس مختصری از تاریخچه تدوین قرآن را آورده است. در کتابت و تدوین حدیث می نویسد: به سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها سخنان ایشان بلکه به سنت عملی آن حضرت نیز از زمان خود ایشان عمل می گردید. نویسنده سپس به مخالفت بعضی از خلفا با روایت و کتابت حدیث اشاره کرده و نظر محققان درباره علت مخالفت را بررسی می کند و در سیر تاریخی روایت و کتابت حدیث به عصر عمر بن عبدالعزیز می رسد که در آن عصر منع کتابت حدیث برداشته شد. در پایان این بخش بعضی از راویان حدیث را نیز نام برده است. در بخش دیگر این فصل به روش ها و مبانی فتوا در این دوره پرداخته، که در حقیقت می توان گفت این بخش در برگزیده فلسفه فتوا و اجتهاد در اسلام است. نویسنده کتاب این گونه توضیح می دهد: جنگهای داخلی و خارجی در قرن نخست اسلام مسائلی را بوجود آورد که در زمان خود بی سابقه بود و برای حل این مسائل استنباط فقهی ضروری می نمود و هر چه اسلام از عصر تشریح دورتر می شد مسائل جدید افزونتر می شد، فتوا در سیر تکاملی خود دوره هایی پیمود، دوره صحابه و تابعان، در این دوره تأکید بسیار بر قرآن و سنت بود. غیر از آن بیش

از همه راهها رأی و اجماع صحابه بکار می‌رفت، هنگامی که خلفا با فقدان نصّ در قرآن و سنت روبرو می‌شدند، شخصاً رأی می‌دادند، یا با صحابه مشاوره می‌کردند. به والیان و قاضیان ولایات نیز دستور عمل به رأی داده بودند. (البته از دیدگاه شیعه چنین نیست و نظر شیعه در این باره به بعد موکول می‌شود) روش‌های دیگری نیز برای استنباط حکم بکار می‌رفت که بعدها مبنای اجتهاد و زمینه ساز علم اصول فقه شد، از آن جمله: استحسان، مصالح مرسله، مذهب صحابی. سپس مؤلف کتاب «در ادامه تاریخچه شیوع فتوا در اسلام می‌نویسد در نیمه دوم این دوره» روایت حدیث نبوی رواج یافت و تازه مسلمانان به قصد آگاهی از احکام دین به سراغ تابعان می‌رفتند و از محدثان مختلف حدیث می‌شنیدند، حجم عظیمی از احادیث فراهم شد که گاهی با جعل و تحریف همراه بود، آمیختگی حدیث باعث پیدایش دو گرایش اهل حدیث و اهل رأی گردید، در آخرین بخش این فصل تعدادی از مفتیان بزرگ این دوره معرفی می‌کند.

فصل چهارم کتاب، در پیدایش و تقید به مذاهب است. مؤلف می‌نویسد با روی کار آمدن عباسیان نهضت ترجمه و آشنایی مسلمانان با فرهنگ ملی شروع شد، علوم مختلف اسلامی و... پیشرفت شایانی نمود، از جمله علم فقه ترقی زیادی نمود، فقیهان بزرگی ظهور کردند که این مرحله درخشانترین مرحله از تاریخ فقه اهل سنت است. پس از آن تقید به مذاهب، تقلید و شرح و بسط آرای امامان فقه سرسید سپس زندگانی پیشوایان اهل سنت، به ترتیب ابوحنفیه، مالک بن انس، شافعی، احمد بن حنبل به طور مستوفی بررسی و وصف شده.

جلد دوم کتاب همانطور که قبلاً اشاره شد در تاریخ فقه و فقهای شیعه از عصر امامان علیهم السلام تا زمان حاضر است.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی